



جمال شورهچ (فیلمساز)

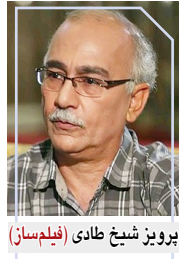
ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

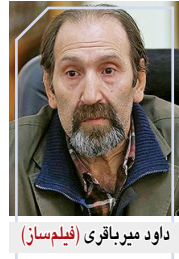
رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)



شهرویار بحرانی (فیلمساز)



بروین شیخ طادی (فیلمساز)



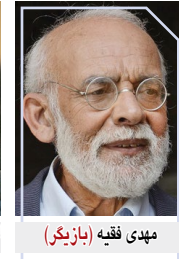
نادر میربالقی (فیلمساز)



مرتضی شعبانی (استندساز)



پروانه معصومی (بازیگر)



مهدی قلیه (بازیگر)



ابراهیم حاتم‌کیا (فیلمساز)



فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)



هادی محمدیان (پویانما)



مجید مجیدی (فیلمساز)



شهید آوینی (فیلمساز)



نادر طالبیان‌زاده (کارگردان)



نگاهی به فیلم «شورشیان پی‌تی ۲۱۸»

کلیشه قهرمان آمریکایی در قالب‌های ضعیف‌تر

فاطمه قاسم‌آبادی

طبق سیاست‌های غربی و به‌ویژه هالیوودی، به موضوعات مربوط به جنگ در هر زمان، توجه ویژه شده است و سازندگان‌شان، حتی بعد از گذر از ده‌های که در آن، جنگی با مخالفان کشورهای اتفاق افتاده، با قدرت بیشتر در مورد آن جنگ و آدم‌هایی که درگیرش بودند، فیلم می‌سازند.

در مورد جنگ‌های جهانی اما قضیه متفاوت است؛ این جنگ‌ها و مخصوصا جنگ جهانی دوم به خاطر درگیری مستقیم آمریکا در آن، برای‌هالیوود از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است؛ البته دلیل دیگر این اهمیت، پایان خونین این جنگ جهانی بود که به نوعی با بمباران اتمی، برای اولین‌بار توسط آمریکا، در ژاپن اتفاق افتاد.

در دو دهه اخیر فیلم‌های هالیوودی زیادی در مورد جنگ جهانی دوم ساخته شده‌اند که هر کدام از زاویه ای، این جنگ خانمان‌سوز را مورد بررسی قرار داده‌اند و در همه این ساخته‌ها بدون استثنا، چهره آمریکا به عنوان نجات‌بخشی که برای صلح جهان نقطه پایانی را بر این جنگ‌ها گذاشت، به تصویر کشیده می‌شود.

فیلم «شورشیان پی‌تیسی ۲۱۸» به کارگردانی «تیک لیون» محصول سال ۲۰۲۱ آمریکاست. این فیلم بخشی از حملات «دریایی ارتش آمریکا در جنگ جهانی دوم را به تصویر می‌کشد.

داستان نبرد دریایی

داستان فیلم «شورشیان…» برگرفته از دنیای واقعی است و در مورد نیروی دریایی ارتش آمریکاست. در این فیلم، جزئیات نبرد سال‌های ۱۹۴۲ را که طبق ادعای سازنده، قبلا گفته نشده، نشان می‌دهند.

ستوان «ولیم استون» به عنوان فرمانده و ناخدای یک کشتی جنگی، به همراه سربازان و خدمه کشتی، قدم در راه پر مخاطره‌ای می‌گذارند و در این راه با یاد از جان خود بگذرند تا بتوانند به موفقیت برسند.

ماجرای اصلی، زمانی شروع می‌شود که در اوج جنگ جهانی دوم، اقیانوس اطلس تبدیل به میدان جنگی مرگبار مبدل می‌شود و زمانی که ناو آمریکایی علیه بمباران نیروهای آلمانی قد علم می‌کند، تازه داستان به نقطه اوجش می‌رسد و…

احیای قهرمان کلاسیک آمریکایی

از گذشته دریاوردان همیشه مورد توجه ویژه داستان نویسان و فیلمسازان بوده‌اند. در تمام دنیا، نبردهای دریایی، به خاطر شرایط مکانی خاصی که دارند، معنایشان را به مخاطبین متفاوت بوده است.

مخاطبین استون به عنوان فرمانده و ناخدای قرار است با دریاوردانی دلیر مواجه شوند که در ایام یک فیلم سفارشی، قرار است تداعی‌گر خاطرات کلیشه‌ای هالیوود، از قهرمان شجاع آمریکایی باشند.

در شورشیان پی‌تی…، مخاطبین فرمانده و سربازانی را می‌بینند که قرار است همگی در حد و اندازه خود، مقاومت کنند و اهریمنان را شکست دهند و به دنیا صلح هدیه کنند. در این راستا چیزی به عنوان یک قهرمان نقش اصلی وجود ندارد و سازنده سعی کرده تا از تک‌تک سربازان در حد خودشان، افراد وظیفه‌شناس و قابل اعتماد برای مخاطبین بسازد.



در فیلم شورشیان پی‌تی…، ستوان ولیم استون، به عنوان فرمانده این کشتی، به تمام کارکنان کشتی‌اش توجه دارد و حتی آشپز مکزیکي هم به عنوان یک فرمانده تمام‌عیار، برای استون احترام قائل است چرا که او فرماندهی است که از، از دست دادن حتی یک سرباز هم‌بند‌هنگین می‌شود و برای تک‌تک سربازانش اهمیت خاصی قائل است.
ایسن تصویر از انسان کامل و قهرمان آمریکایی کلاسیک، که در نهایت اخلاقی و وظیفه‌شناسی قدم برمی‌دارد، مانند گذشته و بدون هیچ تغییری، در شخصیت ستوان استون، تکرار می‌شود ولی مخاطبین با وجود اخبار و اتفاقاتی که در این سال‌ها منجر به شناخت کامل‌شان از سربازان و فرماندهان آمریکایی شده، چطور قرار است تصویر چنین قهرمان غیر واقعی را باور کنند؟

هالیوود در سنیال‌های اخیر، به منظور پاک کردن ذهن مخاطبینش از واقعیت ارتش آمریکا با سیاست آنبوه‌سازی، سعی کرده است تا نظر مخاطبین را دوباره با دروغ‌هایی که از سربازان‌شان می‌سازد، پر کند.

ولی با توجه به جنگ‌هایی که حدود دو ده‌های می‌شود که آمریکا در خاورمیانه به راه انداخته است و اسناد این جنگ‌ها و رفتار فرماندهان و البته سربازان آمریکایی، با مردم دیگر کشورها که حتی به هم‌نوع خودشان هم رحم نمی‌کردند، خود سازندگان فیلم‌های اینچنینی هم نمی‌دانند چطور قرار است تصویر قهرمان آمریکایی، با وجود این سطح از خاطرات ناگوار را دوباره برای مخاطبین، جذاب به نظر برسانند!

البته باید این نکته را یادآور شد که هنوز مد عده‌ای از مخاطبین هستند که دروغ‌های هالیوودی را در مورد سبک زندگی پرلطمطراق آمریکایی و… می‌خرند ولی در مورد سربازان آمریکایی، به قدری در این سال‌ها آفشارگی شده که در خود آمریکا هم با توجه به خاطرات تلخ بازگشت سربازان درهم شکسته و… دیگر تصویر سرباز قهرمان خریداری ندارد و ساخت چنین فیلم‌هایی هم نمی‌تواند آبرویی برای آنها دست و پا کند.

آمریکایی که مدام، جهان را نجات می‌دهد!

می‌شود گفت، در دو دهه اخیر، فیلم‌های هالیوودی زیادی در مورد جنگ جهانی دوم ساخته شده‌اند که هر کدام از زاویه ای، این جنگ خانمان‌سوز را مورد بررسی قرار داده‌اند، البته مسلمانا یکی از مهم‌ترین دلایل ساخت چنین فیلم‌هایی، برانگیخته کردن احساسات وطن‌پرستانه و ترغیب مردان جوان آمریکایی، برای بیوستن به ارتش و آمادگی برای جنگ‌هایی است که قرار است، بعدها در آنها شرکت کنند.

ولی با این وجود، خاطره جنگ‌های اخیر، برای بسیاری از مردم و بخصوص خانواده‌های آمریکایی که عضوی را از دست داده‌اند، یا با مشکلات پایان‌ناپذیر سربازان سرخورده خود روبرو بوده‌اند، بسیار دردناک بوده است اما صحبت از جنگ‌هایی که مدت زمان زیادی از آن گذشته و مردم خاطرات نزدیکی از آن ندارند، بیشتر می‌تواند روی مخاطب تاثیر بگذارد و جوانان خودشان را به سمت شرکت در جنگی ببرد که دولت آمریکا تصمیم دارد، زمینه‌اش را در ذهن مخاطبان‌شان بچیند.

در فیلم شورشیان پی‌تی…، مخاطبین قرار است باز به جنگ جهانی دوم برگردند و آمریکا را در هیئت کشوری که به قول خودشان دنیا را نجات داد، ببینند اما سازنده نمی‌تواند احساس خاصی را در وجود مخاطبینش برانگیزد و همین باعث می‌شود تا فیلم نتواند با مخاطبینش ارتباط درستی برقرار کند.

تکرار ناموفق تکرار

فیلم شورشیان پی‌تی… بدون اغراق فیلم ضعیفی است. این فیلم بدون هیچ هیجان واقعی یا مبارزه قابل لمس، روندی کند و خسته‌کننده دارد و چون شخصیت‌پردازی‌های خشک و بی‌روحی دارد، نمی‌تواند با مخاطبین ارتباطی برقرار کند و ضعف‌هایش را در لوی شخصیت‌هایش بپوشاند.

به خاطر تمام این دلایل، شورشیان پی‌تی… فیلمی است که از طرف مخاطبین و منتقدین نمرات بسیار پایینی را کسب کرد و نتوانست روایت قهرمان آمریکایی نجات‌بخش، را به خورد مخاطبین خود بدهد.

دهه اول انقلاب و تقابل مستقیم آمریکا با ایران (اسقاط رژیم پهلوی، اشغال جاسوسخانه آمریکا، حمایت آمریکا از صدام در جنگ تحمیلی، حمله به سکوهای نفتی و کشتی‌های ایران در خلیج فارس، زدن هواپیمای مسافربری و…) ساخت فیلم ضدایرانی به آمریکا محدود بود. اما در دو دهه اخیر، اروپا و همچنین رژیم صهیونیستی نیز به تولید فیلم و سریال ضدایرانی رو آوردند. این فیلم‌ها فقط به ضدیت با انقلاب اسلامی و جمهوری برخاسته از آن محدود نیستند، بلکه فرهنگ، تاریخ، مردم و حیثیت ملت ایران را هدف ترور قرار می‌دهند.

شاید کمتر کشوری همچون ایران در جهان یافت

میانه که عمیقاً ریشه در سنت شرق‌شناسی دارد، این بخش از جغرافیا را سرزمین‌های دوردست، خنده‌دارترین ادعای فیلم «طیب» این است که در آن نشان داده می‌شود همه شاگردان خوب و بوعلی سینا یهودی بوده و شاگردان مسلمان او همه افرادی عقیم‌مانده، خیانتکار، فاسد و شراب‌خوار بودند! در بی‌تفاوتی سازندگان آلمانی این فیلم نسبت به تاریخ همین بس که حیات این‌سینا همزمان با دوره سلجوقیان معرفی می‌شود، در حالی که او در دوران غزنویان زندگی می‌کرد.

در تاریخ این‌گونه ثبت شده که ابن سینا در بدیهی‌ترین توفعی که از یک ساختار فرهنگی و علمی

یهودی معرفی می‌کند، این در حالی است که چنین ادعایی هرگز در تاریخ ثبت نشده است.

خنده‌دارترین ادعای فیلم «طیب» این است که در آن نشان داده می‌شود همه شاگردان خوب بوعلی سینا یهودی بوده و شاگردان مسلمان او همه افرادی عقیم‌مانده، خیانتکار، فاسد و شراب‌خوار بودند! در بی‌تفاوتی سازندگان آلمانی این فیلم نسبت به تاریخ همین بس که حیات این‌سینا همزمان با دوره سلجوقیان معرفی می‌شود، در حالی که او در دوران غزنویان زندگی می‌کرد.

در تاریخ این‌گونه ثبت شده که ابن سینا در اثر بیماری قولنج از دنیا رفته، اما این فیلم مرگ



ترور یک ملت در سینما

مهتاب مهدی

دیگر درباره ایران است که باز هم توسط فیلمسازی از ایران است که با سرمایه‌گذاری مشترک فرانسه، آلمان و اتریش ساخته شده است.
فیلم «رز سرخ» هم یک فیلم ضداسلامی و ضدایرانی دیگر با کارگردانی ایرانی است که دولت فرانسه در ساخت آن سرمایه‌گذاری کرده است. اتفاقاً این فیلم هم، فرهنگ مذهبی و اعتقادات دینی مردم ایران را نشانه رفته است. «زردیک‌تر از آشنا» هم دیگر یک فیلم ضداسلامی ساخت فرانسه است که با تمرکز بر ازدواج موقت، هم دین اسلام را هدف توهین قرار داده و هم به نمایش تصویری دهشتناک علیه ایران پرداخته است.

در همین جهت تصویرسازی منفی از ایران، دولت انگلیس اما با سابقه طولانی دشمنی با ملت ایران، علاوه‌بر راندازی شبکه‌های بی‌سی‌بی فارسی و «هن و تو» برای بمباران رسانه‌ای ایران، یک فیلم ضدایرانی نیز تولید کردند.

فیلم «۶روز» ماجرای حمله به سفارت ایران در لندن در سال ۱۹۸۰ میلادی (۱۳۵۹ شمسی) را روایت می‌کند؛ فیلمی که همزمان با جریان یافتن دیوایه مسئله «تجزیه‌طلبی» در آسیای غربی و

درواست همچوار با ایران به موضوعی مرتبط با این مسئله پرداخته است.

این فیلم که محصول مشترک انگلیس و نیوزلند محسوب می‌شود همچون سایر فیلم‌های ضدایرانی، با محوریت «تحریف» تاریخ شکل گرفته است. به‌طور مثال، در این فیلم روایت می‌شود که گروهی که به سفارت ایران حمله می‌کنند، تحت عنوان جنبش دموکراتیک آزادی عربستان معرفی می‌شوند و

علاوه‌بر این‌ها، خود محصولات صداوسیما نیز باید دفاع و نافی ولنگاری باشند به طور طبیعی، هر

چقدر که برنامه‌های صداوسیما -به ویژه برنامه‌های سرگرم‌کننده و جذاب- فاخرتر و دارای عمق و محتوای بیشتری باشند، می‌توانند ذائقه مخاطب را به سمت محصولات فرهنگی و هنری اصیل و سالم سوق دهند.

پخش بیش از حد موسیقی‌های بی‌مایه، تبلیغات بازرگانی، سریال‌های سطحی و بی‌کیفیت، فیلم‌های هالیوودی، تریبون دادن به چهره‌های هنری ناب و… از جمله مواردی هستند که می‌توانند به ولنگاری فرهنگی در جامعه دامن بزنند و در صداوسیما هم اتفاق می‌افتند.

یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تقابل صداوسیما با ولنگاری فرهنگی، افزایش خلاقیت و نوآوری در برنامه‌هاست. این خلاقیت باید هم در ساختار برنامه‌ها اتفاق بیفتد و هم در محتوا آنها. این مسئله درباره گروه‌های مذهبی و معارفی اهمیت بیشتری می‌یابد، چنان‌که این گروه‌ها در تولیدات خود دست به ابتکاراتی بزنند که مخاطب را مجذوب فرهنگی و هنری صداوسیما، به نقد بی‌محابا و بی‌برده تولیدات مبتذل پرداخته شود. خشن‌زدگی یکی از عوامل زمینه‌ساز ولنگاری فرهنگی است.

صفحه ۸

دوشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۱

۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ – شماره ۶۴۲۳

توصیف می‌کند و به زبان فارسی توهین و آن را زبانی من درآوردی معرفی می‌کند، کارگردان فیلم سابقه حمله به اسلام و ایران‌ستیزی را در فیلم‌های خود داشته که وادیم پارلم در فیلم سابق خود، خانه‌ای از شن و مه که با تمجید آکادمی اسکار و آمریکایی‌ها مواجه شد، یک فیلم سطحی با میان‌مایه‌های ضد اسلام وانقلاب را ساخت، در زبان فارسی نیز با انتخاب اسم رضا، به دروغ‌ها و توهین‌های خود ادامه می‌دهد.
روایای جریان فیلم‌های ضدایرانی در اروپا
«عنکبوت مقدس» جدیدترین فیلم ضدایرانی اروپااست که در هفتاد و پنجمین جشنواره فیلم کن به نمایش درآمد و بازیگر نقش اول زن آن، کن جایزه گرفت. این فیلم که به دلیل جسارت به ساخت مقدس امام هشتم (رضاع) قلوب مردم ایران را جرحیه‌دار کرده است، با سرمایه‌گذاری گسترده چهار کشور، از جمله میزبان یعنی فرانسه به همراه آلمان، دانمارک و سوئد تولید شده است؛ براساس گزارش منتشر شده درباره تأمین مالی «عنکبوت مقدس»، این فیلم ۲۴۰ هزار یورو از آژانس تأمین مالی فیلم آلمان، ۲۵۰ هزار یورو از مدین یورد برلین- براندنبرگ، ۴۱۰ هزار یورو از یورالیمجرز، ۹۰ هزار یورو از صندوق تأمین مالی فیلم هامبورگ شلسویگ- هولشتاین و حدود ۱۷۴ هزار یورو از صندوق فیلم آلمان دریافت کرده است. اما مراجعه به شناسنامه فیلم «عنکبوت مقدس» نشان می‌دهد که دو نفر از سه تهیه‌کننده این هوبت صهیونیستی دارند؛ سول باندی و جیکوب چسارک که در کنار علی عباسی، تهیه‌کنندگان این فیلم هستند، هر دو یهودی و هویتی صهیونیستی دارند. به همین دلیل هم کارگردان فیلم «عنکبوت مقدس» اینچنان‌که خودش در نشست خبری این فیلم در کن تصریح کرده بود، از پرداختن به یک قاتل زنجیره‌ای گذر کرده و به فرهنگ اسلامی مردم کشور ما حمله کرده است. فیلم «ژان بدون مردان» هم یک فیلم ضداسلامی

همچنین رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر چند فیلم و سریال ضدایرانی تولید کرده است. از جمله فیلم «مأمور مخفی» و سریال «تهران» که هر دو به عملیات و نفوذ مأموران تروریستی اسرائیل برای ضربه به فعالیت هسته‌ای ایران ساخته شدند.

فصل دوم سریال «تهران» نیز به تلاش یک جاسوس اسرائیلی برای ترور فرمانده کل سپاه می‌پردازد. همه اینها گویای این است که سینماگران غربی در روندی هماهنگ با دولت‌های خود علاوه‌بر پیشبرد سیاست‌های خصمانه این دولت‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، تحریف و توهین به فرهنگ یک سرزمین را دست‌مایه رونق اقتصادی خود قرار داده‌اند.

غریبه‌ها خود را از راه تهاجم فرهنگی دنبال می‌کنند. آنان با ترویج الگوهای فرهنگی غیرواقعی و دروغین علاوه‌بر افزایش فشار علیه کشورهای مورد نظرشان، افکار عمومی دنیا را نیز به خدمت گرفته تا تسک و تسایق زندگی و به تبع آن اقتصاد خود را بر مردم دنیا تحمیل کنند و از این راه به افزایش سرمایه بپردازند. این تجارت و کاسبی با اشباح است و غرب در برابر تاریخی با تحریفات علیه افکار عمومی دنیا باید پاسخگو باشد، یعنی باید در مجامع بین‌المللی این اقدامات غرب را مصداق بارزی از نقض حقوق انسان‌ها تلقی کرد. غربی‌ها انسان را از داشتن تصویری درست از واقعیت محروم کرده و فضایی از دروغ و توهین را بر دانهان جهانی مسلط می‌کنند.

به بهانه انتشار فیلم «روز صفر» در نمایش خانگی

حمله به خمودگی و فرسودگی سینمای امروز

محمدرضا محقق

بی‌شک «روز صفر» بهترین فیلم تاریخ سینمای ایران در ایپستمولوژی امنیت، اکشن، تعلق، ملیت، نگره ژانر، فیلمنامه و خلق موقعیت «خطر- مجاهده»، و در عین حال فیلمی به شدت «سینما»، عمیقا «تجیب» و منزه و در نهایت و مهم‌تر از همه یک ساختارشنکنی در خمودگی و فرسودگی سینمای امروز ماست.

روز صفر با «خرق عدالت» و «عبور از حجاب تکنیک»، شعار، انفعال، وادادگی، جانبداری و مابقی مولفه‌های بی‌ارزش سینمای این سال‌ها، توانسته یک «اکشن»، «هلی»، «جذاب»، «سالم»، «سینما»یی باشد و بدیهی است که این دستاورد سترگ و بزرگ حاصل «تجربه-دغدغه»، زیسته، فیلمنامه درجه یک، هم‌افزایی معجزه‌آسای تیم و البته بازی منحصربه‌فرد «امیر جدیدی» است.

فیلم، پروپاگانداست. معلوم است که پروپاگانداست و چقدر هم خوب! چرا آمریکایی‌ها بسازند و ما نسازیم؟ و چرا برای ایران و مردمش پروپاگاندا نسازیم؟ مگر غیر از این چه چیزی باقی مانده؟ از اولش هم چیزی غیر از این نداشتیم و نداریم. بله؛ ما سال‌ها نساختمون چون بلد نبودیم و نتوانستیم و منفعل و فرسوده بودیم؛ ولی حالا ساختیم؛ روز صفر.

این مهم‌ترین نتیجه فیلم است. ما وارد سینما شدیم. دیگر ماقبل سینما نیستیم. حالا ما در سینما پشت «امنیت ملی»مان می‌ایستیم، پنهان‌کاری نمی‌کنیم، اکراه نداریم، منفعل نیستیم، مردد نیستیم، دستمان در دست همدیگر است، حاملان خوب است و سرمان بالااست و همه اینها دقیقاً در همین دوران سرد و برزخی رخ داده. به هیچ‌کس هم ربطی ندارد جز «ایران»! و اگر این معجزه نیست پس چیست؟ من در سالیی فیلم را دیدم که «هژمونی روشنفکری» بر آن مسلط بود و همه در پایان ایستادند و کف زدند و این یعنی میله‌ها را بردارید، چراغ‌ها را روشن کنید، به چشم همدیگر نگاه کنید و یادتان باید که در «ایران» زندگی می‌کنید و هموطن‌اید. «یکی» هستید. این اگر معجزه نیست پس معجزه چیست؟ روز صفر علامت حیاتی را البته به شکل محکم و امیدافرینی، از تن‌های بی‌رتم و روح‌های فرسوده، بارور کرد و این یعنی پیروزی. یعنی هستی، یعنی هنوز یک «حقیقت»ی هست که ما را نگه می‌دارد؛ حقیقتی که شاید نامش «ایران» است… و هست.

